

## مرزبان مکتب تشیع

### (حیات علمی علامه عسکری (رحمة الله عليه)

قاسم جهانی محمودی  
عضو حلقه‌ی علمی تاریخ

#### چکیده

حیات علمی علامه عسکری از برجستگی های خاصی برخوردار است که توجه به آنها، راه را برای رشد علمی و عملی طلاب هموار می‌سازد. وی با جدیت تمام به تحصیل علم پرداخت. علم همراه با عمل ایشان و بینش وسیع وی، او را بدان داشت تا در این راستا به مسائل علمیی که کمتر بدان توجه شده است، بپردازد و با روش کاملاً علمی مخالفان دین اسلام و مذهب شیعه را به زانو در آورد. علامه همواره دغدغه‌هایی داشت که تمام طول عمر خود را در راه پاسخ به آنها صرف نمود. و همین زحمات بیدریغ بود که او را پیشگام اصلاح و نوآوری در امور مختلف نمود. حاصل این مجاهدت‌ها، تألیف ده‌ها کتاب، مقاله، سخنرانی و... است. این مقاله زندگی علمی این عالم مجاهد را به تصویر کشیده است. کلیدواژه‌ها: علامه عسکری، ویژگی‌های علمی علامه عسکری، تألیفات علامه عسکری، دانشکده‌ی اصول‌الدین، زندگی نامه‌ی علامه عسکری.

#### مقدمه

حیات علمی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی عالمان دین است؛ عالمانی که در آسمان پر فروغ علم و دانش و فضیلت همچون ستارگان نور افشانی می‌کنند و روشنگر راه حقیقت‌اند. آیه الله علامه سید مرتضی عسکری (رحمة الله عليه) یکی از این عالمان است؛ بزرگ مردی که انسان با نگاه به حیات علمی و آثار پر مایه و ارزشمند ایشان از این همه توانایی و ابتکار در حیرت می‌ماند. شخصیتی که باید او را در روزگار حاضر، مرزبان حماسه‌ی جاوید نامید؛ چرا که او یاد آور بزرگانی چون علامه امینی (رحمة الله عليه) صاحب مجموعه ارزشمند الغدیر و علامه شرف الدین در این روزگار است. طبیعی است که پرداختن به همه ابعاد حیات علمی این عالم بزرگ در این نوشتار و مجال اندک ممکن نیست. لکن تلاش بر این است که نشانه‌های روشنی از لایه‌های پنهان حیات علمی ایشان به دست آورده‌ایم، باشد که چراغ راهی برای رهنمون شدن به حقیقت باشد.

#### تولد

علامه سید مرتضی عسکری (رحمة الله عليه) در جمادی الثانی ۱۳۳۲ ق مطابق با بهار ۱۲۹۳ ش در خانواده‌های علم دوست و دانش‌پرور در شهر سامرا چشم به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان، آیه الله سید

محمدحسین معروف به شیخ الاسلام<sup>□</sup> و داماد آیت الله میر محمد شریف عسکری تهرانی<sup>□</sup> معروف به خاتم المحدثین بود.

اجداد ایشان شیخ الاسلام<sup>□</sup> ساوه بودند و در دوران حکومت صفوی، همه از بزرگان دین بودند که بعدها به سامرا رفته و در آن جا ساکن شده بودند.

### بر کرانهی نور

هنوز طفلی بیش نبود که پدرش از دنیا رفت و گرد یتیمی بر چهره او نشست.<sup>□</sup> خواندن و نوشتن را در خانه آموخت. در ده سالگی وارد حوزهی علمیه شد. ادبیات و مقداری از سطح را در زادگاه خود، سامرا، آموخت.

همزمان به مطالعه کتابهای سیره و تاریخ پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» و اصحاب و سفرنامه‌ها مثل سفرنامه ابن جبیر و ابن بطوطه و سفرنامه‌های اروپاییان به شرق علاقمند شد و داستان بلاد اسلامی را دنبال کرد.

<sup>□</sup> وی فقیهی عالم و پرهیزگار و از ملازمان علامه سید مرتضی کشمیری در نجف بود. بعد از فوت ایشان برای اصلاح اموراتش به ایران آمد و بعد از مدتی دوباره به عتبات برگشت. هنگام برگشتن به کاظمین، زوجهایش مریض شد و درگذشت. پس از این جریان به سامرا رفته و در آنجا مجاور می‌شود. در آنجا با دختر علامه میرزا محمد تهرانی عسکری ازدواج می‌کند که حاصل این ازدواج دو فرزند پسر بود که یکی فوت می‌کند. وی به خاطر شدت اخلاص به استادش فرزند دیگرش را به اسم استادش یعنی سید مرتضی نام می‌نهد. ایشان (پدر علامه) در ذی الحجه سال ۱۳۳۳ ق در حالی که علامه طفلی بیش نبود، فوت نمود و در وادی السلام مدفون گردید. رسالهای فارسی در نماز شب و آداب و فضائل آن از ایشان نقل شده است. آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، نیز ر.ک: شریف رازی، گنجینه دانشمندان (۲۹۳/۵).

<sup>□</sup> ایشان از شاگردان مبرز آیه الله سید محمد فشارکی و محقق خراسانی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بود و از ایشان اجازهی اجتهاد مطلق داشت. از جملهی تألیفات ایشان «مستدرک البحار» در شش مجلد بزرگ و «صحیفه المهدیه» در ادعیه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. ایشان شیخ المشایخ اجازه بودند و غالب فقها و مجتهدان و محدثان عصر اخیر از ایشان اجازه روایت داشتند (گنجینه دانشمندان، ۲۶۲).

<sup>□</sup> در زمان علامه مجلسی (رحمه الله علیه)، افرادی به شهرهای مختلف مخصوصاً مناطق سننشین یا مناطقی که ترکیبی از شیعه و سنی داشته می‌رفتند و در آنجا ساکن می‌شدند و به نشر معارف و احکام دین می‌پرداختند، به شیخ الاسلام معروف بودند (فصلنامه تخصصی علوم حدیث، شماره ۲۰، گفتگو با علامه).

<sup>□</sup> تولد علامه در هجدهم جمادی الثانی ۱۳۳۲ بوده است پدر ایشان نیز در ذیحجه سال ۱۳۳۲ رحلت کرد. از اینجا بدست می‌آید که سن علامه هنگام رحلت پدرشان کمتر از یک سال بود. سال تولد علامه در مصاحبههای ایشان با مجلات مختلف آمده است از جمله: فصلنامه علوم حدیث شماره ۲۰. سال فوت پدر علامه نیز در طبقات اعلام شیعه قسم اول از جزء اول قرن چهاردهم صفحهی ۷۹ ذکر شده است.

بعد از آن در سال ۱۳۵۰ ق، در زمان مرجعیت آیه الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری <sup>□</sup> به حوزهی علمیه قم آمد و در دروس فقه و اصول آیه الله مرعشی <sup>□</sup> و آیه الله شیخ محمد حسین شریعتمدار ساوجی <sup>□</sup> شرکت کرد.

در مباحث اخلاق و تهذیب از محضر آیه الله حاج شیخ مهدی پایین شهری، <sup>□</sup> عقائد از محضر آیه الله العظمی امام خمینی <sup>□</sup> و در تفسیر از محضر آیه الله حاج میرزا خلیل کمرهای استفاده برد. <sup>□</sup>

<sup>□</sup> - شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۲۶۷ ق. در مهرجرد یزد به دنیا آمد. مقداری از دروس حوزه را در اردکان و یزد گذراند و در هیجده سالگی راهی عتبات شد. چند سالی در حوزهی کربلا بود و پس از آن در زمان میرزای شیرازی به سامرا رفت و دوازده سال تمام از محضر فقهای بزرگی چون آیه الله سید محمد فشارکی، آیه الله محمد تقی شیرازی و آیه الله شیخ فضل الله نوری، استفاده برد. در سال ۱۳۳۲ ه. ق. به دعوت مردم اراک به آنجا رفت و به مدت هشت سال در حوزهی اراک مسؤولیت تدریس و تربیت شاگردان را بر عهده داشت. در سال ۱۳۴۰ ق. عازم قم شد. با ورود ایشان حوزه قم سر و سامان یافت و دوباره رونق گرفت. ایشان در قم شاگردان بیشماری را تربیت و به جهان اسلام تقدیم کرد (گلشن ابرار، ۵۵۳/۲-۵۵۹).

<sup>□</sup> - آیه الله العظمی سید شهابالدین مرعشی نجفی، در سال ۱۳۱۵ ق. ۱۲۷۶ ش. در نجف به دنیا آمد. در نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و از محضر استادان برجسته حوزه نجف استفاده ها برد. در ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد. در سال ۱۳۴۲ ق. به ایران آمد. پس از رحلت آیه الله العظمی حائری به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد. در طول بیش از هفتاد سال تدریس. دانشمندان بسیاری را تربیت کرد که شماری از آنان از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کردند. از جمله خدمات ماندگار ایشان در کنار دیگر خدمات ارزنده، جمعآوری نسخ خطی با ارزش و تأسیس کتابخانه بسیار ارزشمندی است که به عنوان گنجینه های ماندگار از ایشان شهرت جهانی دارد. (گلشن ابرار، ۹۳۸/۲-۹۴۵).

<sup>□</sup> - آیه الله شیخ محمد حسین شریعتمدار ساوجی، در ساوه به دنیا آمد. ادبیات را نزد پدرش که خود از عالمان بود، فرا گرفت. پس از آن به قم رفت و در آنجا مشغول به تحصیل شد و در سطوح عالی از محضر آیه الله العظمی حائری و آیه الله العظمی نائینی استفاده برد، مدت بیست سال در قم، سطوح مختلف دروس حوزه را تدریس نمود و بسیاری از فضلاء قم از محضر ایشان استفاده بردند. پس از سالها تدریس و تربیت شاگرد در قم، به ساوه مراجعت نمود و در آنجا به تشکیل حوزه علمیه و تربیت شاگرد اقدام نمود (گنجینه دانشمندان، ۳۰۰/۵).

<sup>□</sup> - آیه الله حاج شیخ مهدی پایین شهری از علمای بزرگ قم بوده است هنگامی که آیه الله حائری به قم آمدند در منزل حاج شیخ مهدی پایین شهری جلسهای با حضور علمای قم تشکیل شد و درباره ی سروسامان دادن به حوزهی قم تصمیمگیری شد. (برگرفته از گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۵۳).

<sup>□</sup> - علامه از درس امام به خوبی یاد می کند و می گوید: حضرت امام (رحمة الله علیه) صبح های ماه رمضان در یکی از حجره های فیضیه، باب حادی عشر را درس می گفتند. ایشان خیلی بیان زیبا و دلنشینی داشتند، تا در قم بودم، درس عقائد ایشان را شرکت می کردم. (علوم حدیث، شماره ۲۰؛ نیز پژوهش و حوزه، شماره ۹).

<sup>□</sup> - آیه الله میرزا خلیل کمره ای، در سال ۱۳۷۷ به دنیا آمد. مقداری از دروس حوزه را آموخت. در سال ۱۳۴۰ به قم رفت و به تحصیل در دروس فقه و اصول مشغول شد و در درس خارج فقه و دروس عقلی از محضر اساتیدی چون: آیه الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری و آیه الله علی اکبر یزدی بهره برد. در دروس سطح، تفسیر و فلسفه تدریس داشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. ایشان دارای تالیفاتی می باشند. (طبقات اعلام الشیعه، ۷۰۴/۱).

علامه در دوران علم آموزی در قم در درس و بحث بسیار جدی و تلاشگر بود. ایشان خود در این زمینه می‌گوید: «من غالباً دو سه درس را با هم می‌رفتم و کتاب‌ها را زود طی می‌کردم. بعضی کتاب‌ها را تماماً نزد استاد نمی‌خواندم. بخشی را درس می‌گرفتم و یک جاهایی را مباحثه و سؤال و رفع اشکال می‌کردم. درس‌های استادمان آیة الله العظمی مرعشی را همراه با حاج آقا مرتضی حائری <sup>□</sup> (آقازاده آیة الله حائری) و سید سجادی (پسر دایم)، بعد از طلوع آفتاب در مدرسه فیضیه مباحثه می‌کردیم و مقید بودیم که قبل از نشستن پیش استاد، حتماً آن درس را مباحثه کنیم» <sup>□</sup>.

علامه پس از نزدیک به چهار سال علم آموزی در قم، اوایل سال ۱۳۵۴ ق. به سامرا بازگشت و به ادامهی تحصیل در دروس کفایه و فقه اجتهادی (ادلهی مسائل عروه) و خارج اصول مشغول شد و از محضر اساتیدی چون آیة الله میرزا حبیب الله اشتهاردی، <sup>□</sup> آیة الله میرزا علی از شاگردان میرزا حبیب‌الله شوشتری مرعشی <sup>□</sup> استفاده برد.

نقش استاد در حوزه‌های علمیه در شکل‌گیری شخصیت علمی طلاب تأثیر به‌سزایی دارد. اکثر اساتید علامه از بزرگان و شخصیت‌های مطرح علمی و اخلاقی بوده و مورد توجه هستند. علامه از ایشان فراوان تأثیر پذیرفته است. به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را از استادش مرحوم آیة الله میرزا حبیب الله

<sup>□</sup> - شیخ مرتضی حائری فرزند بزرگ آیة الله شیخ عبدالکریم حائری وی در سال ۱۳۳۴ ق در اراک متولد شد فنون ادب و صرف و معانی و بیان را از مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقا شیخ ابوالقاسم نحوی فرا گرفت. مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولی را در خدمت آیة الله العظمی مرعشی و صالحی کرمانی خواند و چندی نیز از محضر والد خود بهره‌مند شد. حدود ۱۵ سال نیز از دروس فقه و اصول آیة الله حجت و آیة الله خوانساری استفاده نمود. چند سالی هم در درس آیة الله العظمی بروجردی شرکت کرد. پس از آن به تدریس سطوح عالی و خارج فقه و اصول پرداخت. ایشان دارای تألیفاتی نیز میباشد (برگرفته از گنجینهی دانشمندان، ج ۲، ص ۱۲۷)

<sup>□</sup> - فصلنامه تخصصی علوم حدیث، شماره ۲۰؛ نیز رک: فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۹.

<sup>□</sup> - آیة الله میرزا حبیب الله اشتهاردی در سال ۱۳۱۰ ق. در اشتهارد متولد شد. ادبیات و سطوح را در ایران خواند. در اوایل جوانی رهسپار نجف شد و از محضر بزرگانی چون علامه شیخ اسماعیل محلاتی و علامه هادی تهرانی و بزرگانی دیگر استفاده برد. حدود سال ۱۳۴۰ به سامرا رفت. در سامرا با دختر آیة الله میرزا محمد تهرانی (پدر بزرگ مادری علامه عسکری) ازدواج کرد و در مدرسهی میرزای شیرازی مشغول تدریس شد. مدتی در حرم شریف امام جماعت بود و نماز را به جماعت اقامه می‌کرد. در اواخر عمرشان به سبب مرضی به ایران آمد و در قم ساکن شد. سرانجام، در سال ۱۳۷۳ ق. از دنیا رحلت کرد و در مقبرهی شیخان مدفون گردید. (آغا بزرگ تهرانی؛ طبقات اعلام الشیعه، ۱/۳۵۲).

<sup>□</sup> - آیة الله سید محمدرضا شوشتری از علمای فقیه و صالح سامراست. پدرش از علمای صادق و خواص اصحاب شیخ انصاری و از شاگردان میرزای شیرازی بزرگ بود. ایشان در حرم عسکریین اقامه جماعت می‌نمودند. در سال ۱۳۹۲ ق. از دنیا رحلت کرد. (شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ۲۸۹/۵ و ۴۰۷).

اشتهاردی معروف به مدرس عسکری پذیرفته است. ایشان از شاگردان حاج شیخ هادی تهرانی <sup>□</sup> بودند. علامه خود در این زمینه می‌گوید: «استاد اصلی و مهم من آیه الله میرزا حبیب الله اشتهاردی بود. ایشان توجه خاصی به من داشت و خیلی برای من زحمت کشید، حتی برای من و هم مباحثام (مرحوم شیخ غلام حسین) درس اختصاصی می‌گذاشت که جلو بیفتیم و متوجه من بود که مباحث را تا آخر، درس بگیریم و به مطالعه و مباحثه اکتفا نکنم.» <sup>□</sup>

علامه کفایه را در محضر این استاد خواند. علاوه بر آن، در دو دوره درس فقه (ادلهی مسائل عروه) این استاد بزرگ شرکت کرد و از خرمن دانش ایشان خوشه‌ها چید.

### حدیث بیداری

با نگاه به حیات پر ثمر و سرشار از نشاط علمی علامه عسکری، می‌توان به این نکته رهنمون شد که ایشان برای خود دغدغه‌هایی داشت. این دغدغه‌ها انگیزه‌های بسیار قوی برای فعالیت‌های علمی علامه بود. علامه عسکری با توجه به آن دغدغه‌ها و شناخت وظیفه‌ی خود، گام در میدان نهاد و منشأ آثار بیشمار و فراوان علمی شد. مهمترین دغدغه‌های علامه عبارت است از:

۱. تجدید حیات و دگرگونی در حوزه‌های علمیه؛
۲. ورود افکار بیمایه‌ی غربی به قلمرو اسلام؛
۳. تحریف‌ها و خرافه‌ها در تاریخ اسلام؛
۴. مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و حقانیت آن؛
۵. اتحاد مسلمانان.

علامه بارها در گفته‌ها و آثار علمی خود به این نکات اشاره کرده است و اگر دست به کار شده و خدمات علمی پر ثمری از خود به جای گذاشته، در راستای همین دغدغه‌ها بوده است؛ چرا که ایشان از آن دسته از عالمانی بود که زمانه را می‌شناخت و نیازها را می‌دانست. اهل رکود و جمود نبود، بلکه اهل حرکت و نشاط علمی بود و تا آخرین روزهای عمر پربرکت خود، دائم در حال تولید علم و اندیشه‌های

<sup>□</sup> - شیخ هادی تهرانی متوفی ۱۳۲۱ و از شاگردان شیخ انصاری. وی به ترتیب در زادگاه خود (تهران)، اصفهان، نجف و کربلا تا سال ۱۲۸۶ مشغول تحصیل بوده و از همان سال تا پایان عمر در حوزه‌ی نجف از مدرسان بنام بشمار میرفت. و به افاده و افاضه و تألیف اشتغال داشته است. از ایشان بیش از سی کتاب و رساله موجود است که تعدادی از آنها به چاپ رسیده است در آثار ایشان هم نظرات و آراء جدید دیده میشود و هم از حیث ورود و خروج بحثها مبتکر و نواندیش است که میتواند برای محققان حوزه‌های علمیه مورد استفاده باشد. (برگرفته از کتاب «گروهی از دانشمندان شیعه» تألیف آیه الله رضا استادی، ص ۲۲۲).

جدید بود. این نکته‌های است که افراد بسیاری که با این بزرگ مرد در ارتباط بوده‌اند، به آن اذعان دارند. حیات پر ثمر علمی و خدمات فراوان ایشان به دنیای علم و جامعه، خود، نشانگر این واقعیت است.

## پیشگام اصلاح و نوآوری

کشورهای اسلامی در دوران زندگی علامه در قم (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ ق.) شرایط حساسی داشتند؛ چرا که حکومت وقت پهلوی سعی داشت فرهنگ غرب را در ایران ترجمه کند. در عراق و برخی از کشورهای اسلامی دیگر نیز غریزدگی به صورت جدی شروع شده بود و وضع مسلمانان در بسیاری از کشورها وضعیت مطلوبی نبود. علامه در این دوران با نگاه به وضعیت حوزه‌های علمیه و شرایط جامعه، بر این نکته واقف شد که دروس موجود حوزه جوابگوی خواسته‌های روزافزون اجتماع نیست. در چنین شرایطی، حوزه‌های علمیه به تعبیر ایشان، تک بعدی یا تک علمی شده بودند و بسیاری از دروس مثل علوم قرآن، حدیث، کلام و... که می‌توانست جزء برنامه‌های درسی حوزه و پاسخگوی نیازهای اجتماعی باشد، آن چنان که باید به آنها پرداخته نمیشد؛ لذا حوزه‌های علمیه در آن دوران بازدهی تبلیغی آن چنانی که نداشتند. علامه خود در این زمینه می‌گوید:

«وقتی وضعیت حوزه‌ها را با حوزه‌های عصر شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و علامه حلی مقایسه می‌کردم، می‌دیدم که آن بزرگواران در علوم مختلف اسلامی تألیف دارند، و چه قدر احادیثشان متنوع و متناسب به عصر خودشان بود، در حالی که این بزرگواران، فقه هم تدریس می‌کردند. تا عصر مرحوم مجلسی، علمای شیعه این طور بودند. تصورم این بود که اگر علمای شیعه در این روزگار بودند، تفسیر، عقائد، تاریخ غیر فقهی، علوم عقلی و استدلالی و زبان خارجی و این طور چیزها را قطعاً درس می‌گفتند.»<sup>۹</sup>

علامه به خاطر این کاستی که در حوزه وجود داشت، احساس وظیفه کرد و دست به ابتکار جالبی زد و یک طرح مطالعاتی علمی را با همراهی چند تن از طلاب هم فکر خویش، از جمله آیه الله طالقانی پایه - ریزی کرد. دروس تفسیر و حدیث شناسی و بررسی تطبیقی عقاید اسلامی را در کنار تمرین خطابه و نویسندگی در این طرح گنجانده شده بود.<sup>۱۰</sup>

علامه در حالی اقدام به این ابتکار جالب نمود که پرداختن به این گونه دروس از جمله تفسیر در ایام تحصیل از منظر حوزه‌ی آن روز قم و طلاب، یک کار بیهوده تلقی می‌شد. علامه در این باره می‌گوید:

«با جمعی از دوستان هم فکر تصمیم گرفتیم در معرض دید طلبه‌ها، درس تفسیر بگذاریم و تفسیر بخوانیم، آن روزها حوزه اصلاً تنوع درسی امروز را نداشت. طلبه‌ها درس تفسیری را که برای حاج میرزا خلیل کمرهای در مسجد نو گذاشته بودیم یا مباحثه تفسیری را که در ایوان مسجد امام عسکری «علیه السلام» داشتیم، می‌دیدند و می‌خندیدند و رد می‌شدند و می‌گفتند: این‌ها در شب‌های درس و تحصیل، تفسیر

<sup>۹</sup>- فصلنامه علوم حدیث، سال ۲، تابستان ۸۰، شماره ۲۰؛ نیز ر.ک: فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۹.

<sup>۱۰</sup>- کتاب ماه/دین، اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره‌های ۶ و ۷.

می‌خوانند! خوب، ما می‌خواستیم درس تفسیر و درس عقاید و درس حدیث، در حوزه رواج پیدا کند و خودمان هشت نه نفری، همین درس‌ها را در جنب درس‌های فقه و اصولمان می‌خواندیم. در مورد وضعیت مسلمان‌های دنیا هم مطالعه و گفتگو می‌کردیم و من خودم هر نوبت که برای سر زدن به اقوامم به تهران می‌رفتم، کتاب‌های تازه‌ای می‌خریدم که بینم در دنیا و جهان اسلام و در ایران و در قشر روشنفکر ما چه می‌گذرد».<sup>□</sup>

البته این طرح با همه جوانب مثبتی که داشت و می‌توانست حوزه‌های علمیه و طلاب جوان و مستعد علوم حوزوی را در عمل به وظایف دینی و اسلامی خویش در برابر نیازهای زمانه و خواسته‌های روز افزون اجتماع، مجهز کند، در ابتدای راه ناکام ماند و به دلایلی توفیق نیافت.

علامه با تلاش و پشتکاری که داشت، از این جریان سر خورده نگردید؛ لذا در سال ۱۳۵۴ ق. رهسپار زادگاه خود شهر سامرا گردید و در آنجا به اندیشه‌های اصلاحی خود پرداخت. علامه در طول سالهایی که در حوزهی سامرا در مقطع دروس خارج حوزه مشغول تحصیل بود، این برنامه اصلاحی خود را تکمیل کرد و در سال ۱۳۶۳ ق. قبل از پایان جنگ دوم جهانی، تلاش کرد یک دانشکده‌ی اسلامی یا حوزهی نوین در کاظمیه بغداد راه اندازی کند که با مخالفت افراد با نفوذ مواجه شد. لذا به سامرا بازگشت و یک دورهی دیگر از محضر استاد خود آیه الله میرزا حبیب الله اشتهااردی که ادله‌ی مسائل عروه را درس می‌گفت، شرکت کرد.

علامه در این سالها به وضعیت حوزه‌های علمیه عراق و ایران نیز توجه داشت. این ایام، سال‌های آغاز مرجعیت آیه الله العظمی بروجردی در ایران بود و به نظر می‌رسید که اوضاع حوزهی علمیه قم، مساعدتر از حوزه عراق بود؛ لذا علامه با یک برنامه‌ی جامع و نوین علمی به قم آمد و ایجاد یک مدرسه علوم، علوم دینی را به سبک مورد نظر خود که اداره آن با خود علامه باشد، خدمت آن مرجع بزرگ دینی ارائه داد که مورد استقبال و موافقت ایشان واقع شد لکن به سبب مساعد نبودن شرایط و آشفتگی اوضاع به خاطر پیش آمد قضیه ملّی شدن صنعت نفت در ایران، علامه تصمیم گرفت که به عراق باز گردد و در آنجا به این گونه فعالیت‌ها بپردازد.

در برنامه جامع و نوینی که علامه برای ایجاد یک مدرسه علوم دینی پی ریزی کرده بود، درس‌های حدیث‌شناسی، علوم قرآن، تاریخ اسلام و تبلیغ در کنار فقه و اصول در یک فاصله زمانه مشخص گنجانده شده بود.

و مهمترین هدف علامه در این برنامه پیشنهادی این بود که حوزه‌های علمیه را از تک علمی بودن خارج سازد و به دروس دیگر که لازم و ضروری نیز بود، توجه دهد.

□ - فصلنامه علوم حدیث، سال ۲، تابستان ۸۰، شماره ۲۰.

طرح دگرگونی برنامه‌های درسی و تجدید حیات حوزه‌های علمیه، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایشان بود تا این که در آن سال‌هایی که به خاطر فعالیت علیه حزب بعث مجبور شد عراق را ترک کند و به ایران بیاید، یک برنامه‌ی جامع تربیتی و آموزشی را برای حوزه‌های علمیه تدوین کرد. این طرح را با سفر به کشورهای مختلف و مشاهده وضعیت درسی و آموزشی حوزه‌های علمیه در کشورهای ایران، عراق، لبنان، سوریه، هند، کشمیر و پاکستان و بعد از سالها تجربه در زمینه مسائل آموزشی و تربیتی پایه‌ریزی کرد. سالها پیش از انقلاب بعد از تأسیس «مجمع علمی اسلامی» در تهران، با همکاری جمعی از دوستان متخصص در زمینه مسائل آموزشی و تربیتی اقدام به پالایش و بازنویسی دروس حوزه نمود. و دروس حوزه را با اسلوبی نوین و متناسب با نیازهای آموزش روز تدوین نمود. این سلسله کتابهای درسی از سوی مجمع علمی اسلامی چاپ شد. علامه و همکارانش در همین راستا یک برنامه‌ی جامع آموزشی و تربیتی را برای چهار سال اول تحصیلی حوزه‌های علمیه (معادل لیسانس) تدوین نمودند که به صورت جزوه‌ای چاپ شده است. این برنامه جامع دارای نه ماده است:

ماده‌ی اول: شرایط قبولی؛

ماده‌ی دوم: مواد درسی؛

ماده‌ی سوم: مدت تحصیل؛

ماده‌ی چهارم: کتاب‌های درسی؛

ماده‌ی پنجم: برنامه درسی و توزیع کتابها در هر سال (چهار سال اول)؛

ماده‌ی ششم: تعداد واحدهای درسی در چهار سال اول؛

ماده‌ی هفتم: تعداد ساعت درسی در روزهای هفته؛

ماده‌ی هشتم: برنامه آموزشی و تربیتی عمومی؛

ماده‌ی نهم: دروس تخصصی.

کتابهای درسی تنظیم شده برای حوزه علمیه عبارت است از:

۱. آموزش زبان عربی در چهار جلد؛

۲. تجوید؛

۳. جامع المقدمات؛ شامل: امثله، صرف میر، تصریف، هدایه و قواعد املا که همه این کتابها به

صورت درسی و کلاسی تدوین شده‌اند و در آخر هر درس برای استفاده بهتر دانش پژوهان از درس،

تعدادی سؤال نیز آورده شده است.

۴. کتاب تهذیب البلاغه؛

۵. تهذیب المغنی؛

۶. منطق و شیوه‌های بحث؛



۷. درایه؛

۸. احکام اسلامی؛

۹. عقائد اسلام؛

۱۰. قرآن و روایات المدرسین (ویژگی‌های دو مکتب در قرآن)؛

۱۱. منتخب ادعیه و کتاب‌های دیگر که جزئیات این برنامه و کتاب‌ها در جزوهای که از سوی مجمع علمی اسلامی چاپ شده است، موجود است.

ویژگی مهم این طرح آموزشی این است که دانشپژوهان بعد از چهار سال، آمادگی این را داشته باشند که مقداری به زبان عربی صحبت کنند و در یکی از رشته‌های علوم اسلامی به ادامه تحصیل بپردازند.

### سرچشمه‌های هدایت

۱. تأسیس مدارس نوین آموزشی

فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه با تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در عراق، ایران و بسیاری دیگر از کشورهای اسلامی همزمان بود و جنگ دوم جهانی تازه به پایان رسیده بود. استعمار فرهنگی غرب شروع شده و به سرعت در حال گسترش بود. حکومت پهلوی در ایران سعی داشت فرهنگ غرب را ترجمه کند. در عراق هم غربزدگی به صورت جدی شروع شده بود. احزاب کمونیستی و ضد اسلامی در حال شکلگیری بود مدارس تبشیری مسیحیت نیز تشکیل شده بود، استعمار فرهنگی غرب با تشکیل مدارس جدید در کشورهای اسلامی از جمله عراق سعی داشت جوانان مسلمان را از وظیفه اسلامی خود منحرف و تحت سلطه‌ی خویش در آورد. □

علامه با هوشمندی و زمانشناسی که داشت، به حقیقت روش تعلیم و تربیتی که مستشاران اروپایی برای مراکز آموزش و پرورش کشورهای اسلامی طراحی کرده بودند، پی برد و از این راه به یکی از علل اساسی عقب ماندگی کشورهای اسلامی که همانا روش‌های به کار رفته در تعلیم و تربیت بوده دست یافت. این نکته را نیز دریافت که آنها در کار و هدف خود موفق بوده‌اند، ولی کشورهای اسلامی، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و عالمان دین در مقابل آنها کاری انجام نداده‌اند.

علامه با شناخت این وضعیت دست به کار شد. ایشان در این زمان وکالت و نمایندگی مرجع بزرگ دینی آیه الله العظمی حکیم را در بغداد بر عهده داشت و از حمایت ایشان برخوردار بود. بغداد در این روزگاران شرایط بسیار حساس و ویژه‌ای داشت. در واقع، خط مقدم دفاع از کیان تشیع در جهان عرب، بغداد بود.

علامه خود در این زمینه می‌گوید:

□- علامه این گونه مدارس را «مراکز تربیت کارمند» نامید. چون معتقد بود محصل این مدارس، افرادی هستند که پشت میز نشینان اداری و خاضعان در هجوم استعمارند (کتاب ماه/دین، شماره‌های ۶ و ۷).

« مرکز اصلی کادر سازی غربی‌ها در عراق، بغداد بود. پایگاه تشکل‌های قومی، ملی گرا، سوسیالیست، کمونیست، روشن فکری سکولار و غربگرا، سنی، سلفی، صوفی و... بغداد بود. مراکز مهم دانشگاهی و انتشاراتی عراق، در بغداد بود. حوزه نجف هم باید حرفش را در بغداد می‌زد. همچنان که حوزه قم هم آن روز باید پاسخ‌هایش را به شبهه‌ها در تهران مطرح می‌کرد و از امکانات تهران استفاده می‌کرد. بماند که شیعه و روحانیت شیعه، در بغداد پایگاه داشتند و جامعه شیعه در کاظمین باید رهبری می‌شد و نباید جوان و نوجوان شیعه در دامن این همه سرگردانی و شبهات رها می‌شدند. در نجف و کربلا کسانی بودند و کارهایی را شروع کرده بودند. در بغداد و کاظمیه کسی نبود که رهبری کند و لذا آیه الله حکیم به من همین مأموریت را دادند و مکرراً هم تأیید می‌کردند».<sup>□</sup>

علامه در این شرایط حساس به طور جدی اقدام به فعالیت‌های گسترده فرهنگی با رویکرد علمی، اجتماعی، خدماتی و سیاسی نمود که با توجه به گسترده بودن دامنه این فعالیت‌ها، در این نوشتار فقط به فعالیت‌های علمی و فرهنگی اشاره می‌کنیم.

نخستین کار علمی و فرهنگی علامه، تشکیل حلقه‌های درس، تبلیغ و در کنار آن مدرسهای با روش نوین تربیتی بود که سرآغاز طرح‌های گسترده‌تر علمی شد. در این راستا کتاب جامع و کاملی را تدوین کرد و آن را «الامراض الاجتماعیه و علاجها» نامید.<sup>□</sup> که در آن به وظایف حوزه‌های علمیه و علما در مقابل این استعمار فرهنگی و شیوه مقابله با آن اشاره شده بود.

علامه برای تحقق بهتر برنامه خود، در پی افرادی بود که از تجربه و اندیشه استفاده کند؛ لذا با هر کس که دربارهی طرح خود مشورت می‌کرد، او را به استاد احمد امین راهنمایی می‌کردند. علامه در بغداد با استاد احمد امین.<sup>□</sup> صاحب کتاب «التکامل فی الاسلام» که از موقعیت علمی و اجتماعی مناسبی بهره‌مند بود، ملاقات نمود، و کتاب خود «الامراض الاجتماعیه و علاجها» را به او عرضه کرد.

□- فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲۰.

□- کتاب ماه دین، شماره‌های ۷ و ۶، اردیبهشت ۱۳۷۷.

□- علامه احمد امین کاظمینی وی یکی از ستارگان درخشان آسمان علم و فضیلت، استادی بزرگ و نابغهای عظیم‌الشان و فیلسوفی جلیل‌القدر و فلکی و ریاضیدان و فقیهی اصولی و مفسری متکلم در قرن بیستم و از مفاخر عالم تشیع محسوب می‌شود در سال ۱۳۲۰ در شهر کاظمین به دنیا آمد. از اوان کودکی آثار نبوغ در او پیدا بود و پیشرفت عجیب و محیری در درس خود نمود به سبب همین هوش سرشار اضافه بر تحصیلات جدید به تحصیلات قدیم نیز پرداخت و در مدت کوتاهی درس جدیدش به پایان رسید. آنگاه مسافرت به استانبول نموده و چند سالی در آنجا مجدداً مشغول درس دانشگاهی شد تا آنکه گواهینامهی دکترا در فلسفه و ریاضیات گرفت. ایشان خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی فراوانی داشت و در مدت اشتغالش به این امور خدمات شایانی به دین و مذهب و ملت نمود. ضمناً نزد اساتید بزرگ وقت چون آیه‌الله شیخ نعمت الله دامغانی به درس حکمت و آیه‌الله بلاغی و آیات دیگر به درس فقه و اصول و تفسیر و سایر علوم پرداخت تا به مقام منبع

وقتی احمد امین این کتاب را خواند، علامه را به خاطر این افکار و اندیشه‌هایش ستود و میان آنها تفاهمی کامل حاصل شد و سرآغازی شد برای تحقق آرمان بلند علامه؛ یعنی درمان بیماری‌های جامعه‌ی خویش از طریق نشر فرهنگ اسلامی. در همین رابطه علامه مدارس متعددی را در شهرهای مختلف عراق تأسیس کرد.

مهم‌ترین ویژگی این مدارس این بود که تربیت اسلامی را به صورتی تازه و شیوه‌های نوین عرضه می‌کرد و افراد را برای ورود به عرصه‌های اجتماعی آماده می‌ساخت. مدارس که علامه اقدام به تأسیس آنها نمود، عبارت است از:<sup>□</sup>

۱. مدرسه ابتدایی متدی النشر در کاظمیه بغداد در سال ۱۳۶۳ ق. این مدرسه اولین مدرسهای بود که تأسیس شد و علامه آن را با همکاری استاد احمد امین تأسیس نمود که مسؤلیت مدرسه با سید احمد حسینی پدر سید علی نقی حسینی بود.
۲. مدرسهی امام کاظم (علیه السلام) در کاظمیه بغداد.
۳. مدرسهی امام جواد (علیه السلام) در کراة شرقی بغداد.
۴. مدارس جدید بغداد که زیر نظر سید عبدالکریم شوکی اداره می‌شد.
۵. روضه‌الزهراء برای کودکان (مهد کودک) در بغداد.
۶. مدرسه یا مدارس الزهراء برای دختران در کاظمیه بغداد که زیر نظر شهیده بنت الهدی صدر اداره می‌شد.
۷. مدارس امام صادق (علیه السلام) در بصره که زیر نظر علمای بصره و به مدیریت سید محمد عبدالکریم اداره می‌شد.
۸. دبیرستان امام باقر (علیه السلام) در حله که زیر نظر شیخ علی مسما اداره می‌شد.

اجتهاد رسید ایشان در زمان خود یکی از نوابغ دانشمندان شیعه و دو رشته‌ی علوم جدید و قدیم شخصیت برجسته‌ی علمی بود و شهرت جهانی داشت. از جمله تألیفات و آثار ارزنده‌ی ایشان میتوان به این موارد اشاره کرد .

۱. التفسیر الکبیر، در سی مجلد. که از مهمترین تفاسیری است که بر قرآن مجید نوشته شده است.
  ۲. التکامل فیالاسلام، در چهارده مجلد. که به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی نیز ترجمه و چاپ شده است .
- ایشان در سال ۱۳۹۰ ق پس از فراغ از نماز صبح هنگامی که در کتابخانه‌ی خود مشغول تألیف بود بر اثر سکته‌ی مغزی بدرود حیات گفت. و پس از تشییع با شکوه در کاظمین و کربلا و نجف در صحن مطهر حضرت امیر(ع) مدفون گردید. (برگرفته از گنجینه دانشمندان ج ۳، ص ۲۰۸)

<sup>□</sup> برای ذکر مدارس که علامه اقدام به تأسیس آنها نموده، از ویژه نامه کنگره‌ی نکوداشت علامه که از سوی مجمع جهانی اهل البیت (علیهم السلام) برگزار شده و کتاب ماه /دین شماره‌های ۶ و ۷، اردیبهشت ۱۳۷۷ استفاده شده است.

۹. دبیرستان امام حسن (علیه السلام) در دیوانیه زیر نظر استاد مهدی شمس الدین.  
۱۰. مرکز تعلیم دختران در نعمانیه واقع در شهر کوت که سید قاسم شبّر آن را اداره می‌کرد.

## ۲. دانشکده‌ی اصول الدین

با نگاهی به حیات علمی علامه، این نکته نمایان است که همهی تلاش علامه در راستای تبلیغ دین بود. ایشان خیلی تلاش کرد تا مرکزی را تأسیس کند و بتواند افرادی را در آن تربیت کند تا خود این افراد دین را بر اساس قرآن و سنت صحیح پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آموخته، آنگاه وارد اجتماع شده و دین را به طور صحیح تبلیغ کنند و منشأ اثر باشند.

در همین راستا علامه با تلاش و زحمت فراوان، سرانجام توانست موافقت تأسیس دانشکده‌ی اصول دین را بگیرد و در نهایت، در سال ۱۳۸۴ق. این دانشکده را در بغداد تأسیس کرد. تأسیس این دانشکده موفقیت بزرگی برای علامه بود. مهم‌ترین انگیزه علامه از تأسیس این مرکز علمی، تبلیغ دین بود. علامه خود در این زمینه می‌گوید: «من می‌دیدم افرادی از طرف علمای حوزه نجف برای تبلیغ دین به خارج از کشور می‌رفتند. با این که خیلی تلاش می‌کردند، ولی در کار تبلیغ چندان موفق نبوده و بعد از مدتی بدون نتیجه باز می‌گشتند؛ بنابراین، به این فکر افتادم که دانشکده‌های تأسیس کنم به اسم علوم قرآن و حدیث و کسانی را برای تحصیل از خارج بیاورم و پس از اتمام دوره به آنها گواهی نامه بدهیم تا بروند در کشورهای خودشان تبلیغ کنند».<sup>□</sup>

علامه پس از راه اندازی این دانشکده، برای معرفی این مرکز به عنوان یک مرکز علمی و تثبیت موقعیت علمی آن تلاش فراوان نموده؛ چرا که حکومت وقت کشور عراق و وزارت فرهنگ با اینکه مجوز تأسیس دانشکده را داده بود، ولی گواهینامه این مرکز علمی را معتبر نمی‌دانست. علامه برای این مشکل نیز چاره اندیشید. هم زمان با شروع فعالیت دانشکده، علامه مطالعات خود در زمینه‌ی تاریخ و حدیث را از سالها قبل شروع کرده بود و در این سالها به نتایج بسیار جالبی رسیده بود؛ یعنی کتاب ارزشمند خود «عبدالله بن سباء و اساطیر اخری» را منتشر کرد که بازتاب گسترده‌ای در محافل علمی و مراکز دانشگاهی گذاشت؛ لذا برای تثبیت موقعیت علمی دانشکده اصول الدین، برای توافق در زمینه تبادل استاد و دانشجو با دانشگاه الازهر به مصر سفر کرد. اما بنا به عللی نتوانست با مسئولان این دانشگاه به توافق برسد. سرانجام، دانشگاه کمبریج برای این دانشکده، اعلام ارزش کرد و با پذیرش فارغ التحصیل این دانشکده، جایگاه علمی این مرکز را به رسمیت شناخت.

همان گونه که اشاره شد، این دانشکده در سال ۱۳۸۴ق. در دو رشته‌ی ادبیات عرب و قرآن و حدیث فعالیت خود را آغاز کرد و چند دوره فارغ التحصیل داشت و در مدت کوتاه فعالیت خود، ثمرات علمی

□- پژوهش و حوزه، شماره ۹، بهار ۸۱.

خوبی نیز ارائه داد. سرانجام با خروج اجباری علامه از عراق به خاطر فعالیت‌های سیاسی علیه حزب بعث در سال ۱۳۸۹ق. این مرکز علمی و مدارس و مراکز دیگر وابسته به علامه تعطیل شد. با اینکه حزب منحرف بعث دانشکده‌ی اصول دین بغداد را تعطیل کرد و فرصت استفاده جوانان امت اسلامی از این دانشکده را گرفت و نگذاشت فعالیت‌های مفید این دانشکده به ثمر بنشیند، بار دیگر لطف خداوند شامل حال علامه شد و فرصتی پیش آمد تا این بزرگ مرد بتواند در ایران اندیشه‌های نورانی خود را محقق سازد. لذا وقتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی مقررات تأسیس مراکز آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی را تصویب کرد، علامه همراه چهارنفر از دوستان خود، درخواستی برای تأسیس «دانشکده اصول دین» دادند که با آن موافقت شد. این دانشکده در سال ۱۳۷۵ش. در قم فعالیت خود را آغاز کرد که یک سال بعد شعبه‌ای در تهران و سال ۱۳۷۷ش. هم شعبه دزفول در مقطع کارشناسی شروع به کار نمود.

اکنون نیز این دانشکده در رشته‌های علوم قرآن و حدیث، فقه و حقوق اسلامی و زبان و ادبیات عرب در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در قم و در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در تهران، و مقطع کارشناسی در دزفول فعالیت دارد.

براساس گزارش دانشکده اصول الدین، این دانشکده از سال ۱۳۷۵ تاکنون در مقطع دکتری ۳۵ نفر و در مقطع کارشناسی ارشد ۳۷۳ نفر و در مقطع کارشناسی ۶۲۰ نفر دانشجویان ایرانی و در مقطع کارشناسی ۱۵ نفر و کارشناسی ارشد ۹ نفر دانشجوی غیرایرانی پذیرفته است. از این تعداد در مقطع دکتری ۲ نفر، در مقطع کارشناسی ارشد ۲۷۳ نفر و در مقطع کارشناسی ۲۱۷ نفر دانشجوی ایرانی و در مقطع کارشناسی ارشد ۹ نفر و در مقطع کارشناسی ۱۳ نفر دانشجوی غیرایرانی فارغ التحصیل شده‌اند.

### ۳. مجمع علمی اسلامی

همان گونه که اشاره شد، علامه به خاطر فعالیت علیه حزب بعث از عراق خارج و به سوی لبنان رهسپار شد، اما رژیم بعث عراق کوشید تا ایشان از آنجا نیز خارج شود و سرانجام در سال ۱۳۸۹ق. وارد ایران شد. علامه در ایران تمام همت خویش را برای مطالعه و تحقیق گذارد و تلاش کرد تألیفات خویش را به اتمام رساند و در عین حال به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز پرداخت. پیش از انقلاب با همکاری جمعی از دوستان خویش «مجمع علمی اسلامی» را در تهران تأسیس کرد که شورای علمی داشت و فعالیت‌های آن بیشتر فرهنگی و آموزشی بود. این مجمع به تنظیم کتاب‌های درسی حوزه پرداخت و با تحقیق و تنظیم کتاب‌های درسی علوم اسلامی به چاپ آنها اقدام نمود. از جمله کتاب‌های درسی که تاکنون از سوی این مجمع چاپ شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. کتاب تعلیم اللغة العربیة؛

۲. الامثلة و صرف میر؛

۳. کتاب التصریف؛
۴. کتاب الهدایه فی النحو؛
۵. کتاب قواعد الاملاء؛
۶. کتاب تهذیب البلاغه؛
۷. کتاب المنطق و مناهج البحث العلمی؛
۸. کتاب تهذیب المغنی؛
۹. کتاب منتخب حلیه المتقین؛
۱۰. المنهج المقترح للثنوات الاربع الاولى بما يعادل البكالوريس (لیسانس)؛
۱۱. کتاب شرح ابن عقیل.

علاوه بر موارد مذکور، شماری از آثار علامه عسکری توسط مجمع علمی اسلامی چاپ شد.

### ۵- بر بال قلم

تألیف کتاب‌های فراوان و ارائه آثار پرمایه و عمیق علمی یکی از بخش‌های مهم و نقطه‌های روشن زندگی پربار علامه عسکری است. شخصیت علمی علامه با ارائه و خلق این آثار در محافل علمی و دنیای اسلام و جهان شناخته شده است. آثار ایشان از نظر قوت و وزن علمی، عمق‌نگری و حقیقتیابی، همه و همه، دلیل است بر پیوستگی مستمر مؤلف با زندگی علمی و تحقیقی خویش. تألیف چنین آثاری ابتکاری و بینظیر در کنار دیگر ابعاد شخصیتی ایشان است که علامه را به عنوان یک چهره‌ی ماندگار در آسمان پر فروغ علم و دانش همچون ستاره‌های نورافشان نمایانده است.

علامه عسکری در حیات پربار علمی خود اثبات کرد که در هر حوزه‌های از علوم اسلامی گام نهد، می‌تواند اثری ماندگار بیافریند. با نگاه به آثار فراوان علامه به دست می‌آید که ایشان در چهار حوزه‌ی حدیث، تاریخ، علوم قرآن و کلام بیشتر از حوزه‌های دیگر اندیشیده، تحقیق کرده و قلم زده است. همچنین مشخص می‌شود که زیربنای تحقیقات علمی علامه در این زمینه، حدیث و سیره است.<sup>□</sup>

مهم‌ترین دغدغه‌های علامه در این بخش عبارت است از:

۱- مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و حقانیت آن؛

۲- تحریف‌ها و خرافه‌ها در تاریخ اسلام؛

۳- وحدت و اتحاد مسلمانان.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه علامه در تمام دوران حیات علمیش، مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و حقانیت آن و شناساندن چهره‌ی مکتوم آن به همه انسان‌ها، بویژه مسلمانان و

<sup>□</sup> - فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲۰، نکات بسیار مفیدی را از رویکرد علامه به حدیث و سیره در گفتگو با علامه از زبان ایشان آورده است.

شیعیان، می‌باشد؛ نقطه روشن و برجسته‌های که در سرتاسر حیات علمی این بزرگ مرد نمایان است و این افتخاری است بس بزرگ که ایشان به توفیق آن نایل گشته است. نکته‌های که علامه خود به آن اذعان دارد و می‌فرماید: «حیات علمی و آثار من، احساس تکلیف و دفاع از تشیع است، به ندرت دفاع از اسلام است، [بلکه] هم‌هاش دفاع از تشیع است».<sup>□</sup>

البته این نکته نیز واضح است که اسلام راستین چیزی جز تشیع نیست، بلکه همان تشیع است. در واقع، تمام کوشش‌های علامه برای شناخت اسلام راستین این بود که بفهماند، اسلام چه بود؟ و به چه شکل بود؟ اسلامی که از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه شد، چه بود؟ و به چه شکل بود؟ آن وقت در طول این سال‌ها بر سر او چه آمده است؟

نکته‌ی مهمی که در حیات علمی و آثار ایشان وجود دارد، این است که بیشتر آثار علامه بر پایه‌ی منابع مکتب خلفا و براساس احادیث ایشان است. علامه با تکیه بر این منابع در کنار منابع گرانسنگ مکتب اهل البیت (علیهم السلام)، این مسئله را روشن ساخت که چگونه دشمنان دین، اسلام را از مسیر اصلی منحرف ساخته و با تحریف تاریخ، سعی در کتمان حقیقت اسلام داشته‌اند و اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) چگونه در مقابل این انحرافات ایستادند و تلاش آن بزرگواران سبب شد که کیان اسلام و حقیقت دین حفظ شود و بار دیگر آنچه دشمنان دین آن را تحریف کرده و تغییر داده و کتمان کرده بودند، به جامعه بشری بازگردانده و در دسترس همگان دادند.

## تالیفات علامه عسکری

### الف) حدیثی - تاریخی

- ۱ - عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری در ۳ جلد؛
- ۲ - خمسون و مائة صحابی مختلف در ۳ جلد؛
- ۳ - احادیث ام المؤمنین عایشه در ۲ جلد؛
- ۴ - رواة مختلفون؛
- ۵ - الاسطوره السبائیة کما تخیلها و اختلقها سیف بن عمر؛
- ۶ - سیره المعصومین الاربعه عشره و ام المؤمنین خدیجه؛
- ۷ - نگاهی به سرگذشت حدیث؛
- ۸ - حدیث کساء در کتب معتبر اهل سنت؛
- ۹ - سقیفه (بررسی نحوه‌ی شکلگیری حکومت پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم))؛

□ - فصلنامه پژوهش و حوزه، سال ۶، شماره ۹، بهار ۸۱.

## ب) حدیثی - کلامی

این بخش از کتاب‌های علامه آثاری است که در آنها بیشتر به تعلیمات اسلامی پرداخته شده است.

- ۱ - عقائد الاسلام من القرآن الکریم در ۳ جلد؛
- ۲ - معالم المدرستین در ۴ جلد؛
- ۳ - نقش ائمه در احیای دین در ۱۴ جلد؛
- ۴ - ادیان آسمانی و مسئله تحریف؛
- ۵ - در راه وحدت؛
- ۶ - امامت و مهدویت در مکتب خلفا؛
- ۷ - ولایت علی □ در قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)؛
- ۸ - کیف تعلم الدین ویلیه احسن القصص؛
- ۹ - تعلیم الاسلام؛
- ۱۰ - احکام الاسلام؛
- ۱۱ - منتخب الادعیه؛
- ۱۲ - علی مائده الكتاب و السنه (در ۱۷ جلد کوچک و جیبی) این مجموعه عبارت است از:
  - ۱- سنن النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) البکاء علی المیت؛
  - ۲- الاحتفال بذكری الانبیاء و عبادالله الصالحین]؛
  - ۳- من سنن النبی الصلاه علی و آل محمد؛
  - ۴- الصحابی و عدالته؛
  - ۵- آیه التظهير فی مصادر الفریقین؛
  - ۶- من حدیث النبی (صلی الله علیه و آله وسلم): یكون لهذه الامه اثنا عشر نقیباً؛
  - ۷- المصحف فی الروایات و الآثار؛
  - ۸- البداء؛
  - ۹- الزواج الموقت فی الاسلام؛
  - ۱۰- دراسة حول الجبر و التفویض و القضاء و القدر؛
  - ۱۱- عصمة الانبیاء و الرسل؛
  - ۱۲- البناء علی قبور الانبیاء و الاولیاء و إتخاذها مساجد و اماکن للعبادة؛
  - ۱۳- التوسل بالنبی «صلی الله علیه و آله وسلم» و التبرک بآثاره؛
  - ۱۴- صفاء الله جل جلاله؛
  - ۱۵- شیعة اهل البيت (علیهم السلام)؛



۱۶- من تاریخ الحدیث؛

۱۷- علی □ فی القرآن.

۱۰- تعلیم الاسلام؛

۱۱- احکام الاسلام؛

۱۲- منتخب الادعیه؛

## بخش‌های حدیثی - قرآنی

۱ - القرآن الکریم و روایات المدرستین در ۲ جلد.

## سخن پایانی

علامه عسکری علاوه بر تألیف کتاب‌های پرثمر علمی، مقدمه و تقریظ‌های فراوانی را بر بسیاری از کتابها نگاشته است. و نیز مقالات علمی بسیاری از وی در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده است. ایشان علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی بیشمار از اعضای مجمع تقریب مذاهب اسلامی و از مؤسسان و اعضای مجمع جهانی اهل البیت (علیهم السلام) نیز بود و در راه معرفی مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و حقانیت آن و پاسداری از مرزهای این مکتب تلاش فراوان نمود. همچنین در راه وحدت و اتحاد کشورهای اسلامی و نیز دیگر فرقه‌های اسلامی بسیار کوشش نمود.

نکته بسیار مهمی که در حیات علمی علامه عسکری باید بدان توجه کرد، تأثیر گذاری بر جریان تفکر اسلامی است. مخصوصاً در زمینه تألیف، کتابهای ارزنده و مجموعه کتاب‌هایی از ایشان است که تحت عنوان بررسی حدیث و تاریخ چاپ و منتشر شده است. در آن سال‌هایی که علامه اقدام به تحقیق در زمینه حدیث و سیره و انتشار این کتاب‌ها، مخصوصاً کتاب‌های «عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخ»، «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» و «نقش عایشه در تاریخ اسلام» نمود، سالیانی بود که یک نهضت تحقیق و تصحیح و انتشار منابع حدیث و تفسیر روایی در جهان اهل سنت شروع شده بود. در آن زمان، جهان اسلام در این زمینه، چشم به قاهره و دانشگاه الازهر داشت که تازه‌ترین آثار اسلامی و منابع معارف و تعالیم اسلامی را تولید می‌کرد، اما همهی این کتاب‌ها، محصول مکتب خلفا بود. اینجا بود که علامه عسکری دست به کار شد و با تحقیق در زمینه حدیث، تاریخ و سیره، کتاب‌های بسیار ارزنده‌ای را تألیف و به جهان اسلام و دنیای علم و معرفت عرضه داشت و توجه دانشمندان و علمای اسلامی را در اسلام و محافل علمی و حتی دانشمندان و مراکز معتبر علمی بسیاری را در کشورهای اروپایی به سوی خود و حوزه‌های علمی شیعه جلب کرد و تأثیر بسیار عمیقی را بر جریان تفکر اسلامی گذاشت.

برای نمونه تأثیر گذاری علامه بر جریان تفکر اسلامی می‌توان به بازتاب گسترده‌ای که انتشار مجموعه آثار علامه در محافل علمی کشورهای اسلامی و اروپایی داشت، اشاره کرد. بسیاری از متفکران

و اساتید دانشگاه در این کشورها به تمجید از علامه پرداختند. متفکرانی چون دکتر حامد حنفی، استاد دانشکده‌ی زبان در قاهره؛ شیخ محمود ابوریه از دانشمندان محقق مصر؛ شیخ محمد جواد مغنیه از علمای بزرگ شیعه در لبنان؛ دکتر جیمس رابسن. مستشرق بزرگ انگلیسی و صاحب چندین کرسی تدریس در دانشگاه‌های اروپایی، و افراد بسیار دیگری که با ارسال نامه‌های متعدد، این کار علمی با ارزش علامه و شخصیت ایشان را به خاطر ارائه چنین آثار گرانسنگی به دنیای علم و تحقیق ستودند؛<sup>□</sup> چرا که علامه نخستین محقق در تاریخ بود که با این کار ارزشمند خود، چهره‌ی بسیاری از حقایق تاریخی را آشکار ساخت، در حالی که غبارنسیان روی آن حقایق را فرا گرفته بود.

سرانجام، پس از سالها خستگی ناپذیری در راه معرفی درست و حکیمانه تاریخ اسلام و مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و حقانیت و شناساندن چهره‌ی مکتوم آن به همهی انسان‌ها به ویژه مسلمانان و شیعیان در دنیای پر آشوب عصر حاضر، و تحقق بخشیدن آرمان والای «اتحاد اسلامی» چشم از جهان فرو بست و دوستاران خود را در اندوهی بزرگ فرو برد. باشد که زندگی، افکار، اعمال و روش‌های این عالم بزرگ و تلاش برای تحقق آرمان‌های بلند اسلامی خویش برای همگان سرمشقی گرانقدر باشد.

---

<sup>□</sup> - برای اطلاع از متن این نامه‌ها مراجعه شود به مقدمه مجلدات کتاب «عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی» و کتاب «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» اثر علامه محقق سید مرتضی عسکری.